





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده ارتباطات و مطالعات فرهنگی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته دین و رسانه

شناخت تغییرات گفتمان های کودک در مجله در رشد دانش آموز

استاد راهنما:

دکتر سیده زهرا اجاق

استاد مشاور:

دکتر محمود کریمی علوی

پژوهشگر:

سپیده واعظ

مهر ۱۳۹۷

تقدیر و تشکر

اکنون که به یاری خدا به کسب موفقیتی دیگر نائل گردیده‌ام، بر خود لازم می‌دانم که از تمامی افرادی که مرا در این راه یاری داده و پشتیبانی نموده‌اند و در نتیجه در این موفقیت سهیم هستند، تشکر و قدردانی کنم. در میان این افراد، بدون تردید استاد عزیز سرکار خانم دکتر اجاق مهم‌ترین نقش را به عهده داشتند. شاکرم از اینکه مسیر پژوهش را با راهنمایی ایشان آغاز کردم. امیدوارم توانسته باشم از ظرافت و صداقت علمی ایشان چنان بهره‌ای برده باشم که بتوانم در ادامه‌ی مسیر ره‌توشه‌ی خود کنم.

همچنین از استاد مشاور گرامی، جناب آقای دکتر کریمی علوی، استاد گرامی سرکار خانم دکتر شفعتی، مدیر داخلی مجله رشد دانش‌آموز، سرکار خانم اسلامی، و دوست و استاد گرامی‌ام سرکار خانم مرجان ثابتی سپاسگزارم.

همچنین از تک تک اعضای خانواده‌ام به خصوص پدر عزیزم، آقای عباس واعظ و مادر عزیزم، خانم مریم حاجی‌آبادی که با حمایت‌هایشان رنج دوری و دل‌تنگی را برایم هموار کردند، و نیز از دوستان بسیار عزیزم خانم گلناز روح‌الامین و آقای امیررضا شاهین که با حمایت‌های همه‌جانبه‌شان به من انرژی و انگیزه‌ای دوچندان دادند، تشکر می‌کنم.

در پایان، از همراه و همسر عزیزم، آقای محمدرضا شهشهانی تشکر می‌کنم. بی‌شک همراهی، حمایت و محبت او یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت من بوده است.

تقدیم به

مادرم

که همراه همیشگی و دلسوز من در کسب دانش بوده است،

تقدیم به

پدرم

که روح پرسشگری را در من پرورش داد،

تقدیم به

همسرم

که همراه همسفر سختی همچون من است،

تقدیم به

خواهرم گلناز

که همراه دانای من است،

و تقدیم به

همه‌ی کودکان

که به عشق آن‌ها قلم در دست می‌گیرم.

چکیده

هدف این پژوهش شناخت ویژگی‌ها و تغییرات گفتمان‌های کودک از آغاز کار مجله «رشد دانش‌آموز» در دی‌ماه سال ۱۳۴۳ با عنوان «پیک دانش‌آموز» تا سال ۱۳۹۷ است. این مقاله با اتکا بر آرا فوکو در مورد گفتمان و مدل قدرت انضباطی، و با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی ون لیون الف) ویژگی‌ها و تنوع گفتمان‌های کودک در این مجله، ب) تحول یا ثبات گفتمان‌های کودک و چرایی آن و ج) رابطه‌ی قدرت و این گفتمان‌ها را مطالعه می‌کند. یافته‌ها، وجود هشت گفتمان کودک در داستان‌های دوره‌ی پهلوی دوم و بازتولید آن‌ها و تولید هفت گفتمان جدید در دوره جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. همچنین به ازای هر یک از گفتمان‌های کودک، یک تقابل دوگانه بین کودک و بزرگسال نیز شناسایی شده است. نتایج تحلیل انتقادی گفتمان‌های کودک نشان می‌دهند در این گفتمان‌ها همواره کودک در جایگاه فرودست نسبت به بزرگسال قرار دارد. وجود رابطه‌ی فرودستی-فرادستی بین کودک و بزرگسال، روابط سلسله مراتبی را در جامعه تحکیم می‌بخشد. در روابط سلسله مراتبی به دلیل محدود شدن آزادی افراد فرودست، توازن قدرت برهم می‌خورد و رابطه به سمت سلطه می‌رود که می‌تواند موجب حفظ نظم حاکم شود.

فهرست مطالب

فصل اول کلیات پژوهش.....	۱
مقدمه.....	۲
۱-۲. بیان مسئله.....	۲
۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۳
۱-۴. اهداف پژوهش.....	۵
۱-۵. سوال های پژوهش.....	۵
۱-۵-۱. سوال اصلی.....	۵
۱-۵-۲. سوال های فرعی.....	۵
فصل دوم پیشینه پژوهش.....	۶
۱-۲. مقدمه.....	۷
۲-۲. پیشینه ی پژوهش در ایران: پژوهش هایی با رویکرد ارتباطاتی.....	۷
۳-۲. پیشینه ی پژوهش در خارج از ایران.....	۱۱
۱-۳-۲. دسته ی اول: پژوهش هایی با رویکرد ارتباطاتی.....	۱۱
۲-۳-۲. دسته ی دوم: پژوهش هایی با رویکرد رویکرد تاریخی.....	۱۳
۳-۳-۲. دسته ی سوم: پژوهش هایی با رویکرد ارتباطاتی-تاریخی.....	۱۳
۴-۳-۲. دسته ی چهارم: پژوهش هایی با رویکرد نهادی.....	۱۴
۴-۲. جمع بندی بندی پیشینه.....	۲۰
۴-۲. چارچوب نظری.....	۲۱
۱-۴-۲. مقدمه.....	۲۱
۲-۴-۲. تعریف و ویژگی های قدرت.....	۲۵
۳-۴-۲. انواع قدرت.....	۲۶
۴-۴-۲. قدرت مراقبتی/انضباطی.....	۲۷
۵-۴-۲. نتیجه گیری : ارائه مدل مفهومی پایان نامه.....	۲۸

فصل سوم روش پژوهش	۳۱
۱-۳. مقدمه	۳۲
۲-۳. تحلیل انتقادی گفتمان ون لیون	۳۳
۱-۲-۳. مشارکت کنندگان : بازنمایی کنش گران اجتماعی	۳۷
۱-۱-۲-۳. عدم شمول	۳۷
۲-۱-۲-۳. شمول	۳۸
۲-۲-۳. کنش ها : بازنمایی کنش های اجتماعی	۳۹
۱-۲-۲-۳. واکنش	۴۰
۲-۲-۲-۳. کنش	۴۱
۳-۲-۲-۳. فعال سازی کنش اجتماعی	۴۲
۴-۲-۲-۳. غیرفعال سازی کنش اجتماعی	۴۲
۳-۳. جامعه آماری و حجم نمونه ها	۴۴
۴-۳. واحد تحلیل	۴۵
۵-۳. واحد زمینه	۴۶
۶-۳. روایی و پایایی پژوهش	۴۶
۷-۳. نتیجه گیری	۴۶
فصل چهارم یافته های پژوهش	۴۷
۱-۴. مقدمه	۴۸
۲-۴. تحلیل متن	۴۸
۱-۲-۴. کنش گر اجتماعی و کنش اجتماعی	۴۹
۱-۱-۲-۴. عدم شمول	۵۰
۱-۱-۱-۲-۴. ویژگی/های محتوایی داستان با کد کم رنگ سازی	۵۰
۲-۱-۱-۲-۴. ویژگی/های محتوایی داستان ها با کد پنهان سازی	۵۱
۲-۱-۲-۴. شمول کنش گر اجتماعی و کنش های اجتماعی کنش گر	۵۸
۱-۲-۱-۲-۴. ویژگی های محتوایی داستان ها با کدهای فرعی دو کد اصلی شمول کنش گر و کنش اجتماعی	۵۹

۳-۴. نتیجه‌گیری	۱۳۰
۴-۴. نتایج حاصل از مطالعه کتابخانه‌ای	۱۳۲
۱-۴-۴. نظریه‌ی کارکردگرا	۱۳۳
۲-۴-۴. نظریه‌ی تضاد	۱۳۵
۳-۴-۴. رویکرد جامعه‌شناسانه به قوانین نظام آموزش و پرورش	۱۳۵
۴-۴-۴. رابطه‌ی کودک و بزرگسال در اسناد آموزش و پرورش	۱۴۰
فصل پنجم نتیجه‌گیری	۱۴۲
۱-۵. مقدمه	۱۴۳
۲-۵. تحلیل یافته‌ها	۱۴۴
۴-۵. نتیجه‌گیری	۱۶۰
۵-۵. محدودیت‌های پژوهش و پیشنهاد برای مطالعات آینده	۱۶۱

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

با در نظر گرفتن کودک^۱ به مثابه کنشگر اجتماعی که ساختارهای مهمی مانند خانواده و فرایندهایی پیرامون او شکل می‌گیرد، روابط اجتماعی مرتبط با آنها و حتی فرهنگ‌های خاص کودکی ارزش مطالعه زیادی دارند. کودک و کودکی در نظام اندیشگانی فوکو پدیده‌های گفتمانی^۲ هستند (سترندل، ۱۹۹۸: ۳۹۵) که در نظام‌های گفتمانی گوناگون معناهای متفاوتی دارند و این معناها در طول تاریخ دستخوش تغییرات می‌شود. نظام‌های گفتمانی در رسانه‌ها بازنمایی شده و تولید و بازتولید می‌شوند. مسئله این پژوهش، عدم شناخت گفتمان کودکی در رسانه‌های رسمی ساختار آموزش و پرورش ایران است.

۲-۱. بیان مسئله

هدف این پایان‌نامه شناخت ویژگی‌ها، تنوع و تطور گفتمان کودک در مجله رشد دانش آموز است که تقریباً هفتاد سال از شروع انتشار آن در ایران می‌گذرد. توضیح آن‌که، تولیدات رسانه‌ای کودک با وجود اهمیت زیاد آن و فعالان جدی این عرصه، به‌ویژه در عرصه رسانه‌های مکتوب، تاکنون به‌طور علمی مورد ارزیابی انتقادی واقع نشده‌اند. مسئله این پژوهش، ناظر بر فقدان دانش لازم درباره گفتمان‌های کودک است. معنای مفروض گفتمان در این پایان‌نامه نه به معنای گفتار، نظام اندیشه یا سخن که به معنای مجموعه‌ای از عملکردهای گفتمانی در نظر گرفته شده است که اجزای آن افعال گفتاری، نهادی و کنشی هستند که در پیکره‌ای در هم تنیده نظام دانش را می‌سازند. در این پایان‌نامه

^۱ محدوده سنی کودک در این پایان‌نامه طبق ماده یک کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، انسان زیر هجده سال است.

^۲ Discursive phenomenon

منظور از گفتمان کودک، دانش معناداری در مورد مفهوم کودک و دوره کودکی است که بر کردار اجتماعی همه‌ی کنشگران اجتماعی اعم از کودک و بزرگسال تاثیرگذار هستند و پیامدهای واقعی دارند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۴). بنابراین گفتمان‌های تولید شده در مجله رشد دانش‌آموز را از این نظر گفتمان کودک در نظر می‌گیریم که ماهیت «کودک» را در عرصه‌های مختلف علم، داستان، طنز، دین، ورزش و غیره تعریف و کودک را به سوژه قدرت تبدیل می‌کند.

بر اساس آرا فوکو (۱۹۷۵)، گفتمان کودک در مجله رشد دانش‌آموز با قدرت رابطه دارد. قدرت دانش^۳ را تولید می‌کند، نه صرفاً با مهیا کردن شرایط برای دانش به دلیل خدمت دانش به قدرت، و نه صرفاً با استفاده از دانش به دلیل مفید بودن آن؛ قدرت و دانش مستقیماً بریکدیگر دلالت دارند. لازم به توضیح است مفهوم به کار گرفته شده از دانش در اینجا به معنای مجموعه‌ای از دانسته‌هاست و نه آنکه به علم خاصی همچون روانشناسی اطلاق شود. به باور فوکو (همان: ۴۰) باید پذیرفت که نه مناسبات قدرتی بدون ایجاد حوزه ای از دانش همبسته با آن وجود دارد و نه دانشی که مستلزم مناسبات قدرت نباشند و در عین حال مناسبات قدرت را پدید نیاورد. بنابراین بین دانش و قدرت همواره نوعی رابطه‌ی عمدتاً ساختاری وجود دارد. ماهیت این نوع قدرت باید در تمامی سطوح خرد جامعه مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد: در سطح خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، وزارتخانه‌ها و تمامی اشکال نهادینه و سازمان یافته موجود در سطح جامعه (نوذری، ۱۳۷۹: ۲۳۹).

در نظام اندیشگانی فوکو، قدرت عبارت است از ساختار کلی کنش‌هایی که بر کنش‌های افرادی که آزاد هستند، یعنی کسانی که رفتارشان کاملاً توسط تحدیدهای فیزیکی متعین نشده است، تأثیر می‌گذارد. قدرت بر کسانی اعمال می‌شود که در موضع انتخاب قرار دارند، و هدفش نفوذ بر گزینش‌های ایشان است (باری، ۱۹۹۶: ۱۱۵). او یادآور می‌شود که «هر رابطه‌ی قدرت، الزاماً به سلطه ختم نمی‌شود سلطه ویژگی موقعیتی است که در آن رابطه‌ی قدرت ثابت و تغییرناپذیر و شکل آن هرمی باشد و کنش کم و بیش از آزادی محروم باشد» (شاهرخ، ۱۳۹۳: ۲۳۵). پس وجود یا عدم وجود سلطه بستگی به درجه‌ی انعطاف پذیری رابطه‌ی قدرت دارد.

۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

توجه به این امر که صاحب امتیاز مجله «رشد دانش‌آموز» در هر دوره حکومت پهلوی دوم و جمهوری اسلامی وزارت آموزش و پرورش بوده است و این وزارتخانه همواره یکی از نهادهای مهم تولید دانش و اعمال انضباط بر کودکان است، و همچنین براساس مطالعات انجام شده (نعیمی، ۱۳۸۴؛ کاشفی خوانساری، ۱۳۷۶؛ سالمی، ۱۳۹۴)، به نظر می‌رسد که در رسانه‌های کودک و نوجوان نوع رابطه بین کودک و مؤلف مطابق با مدل قدرت انضباطی فوکو (۱۹۷۵) است. انضباط قدرتی است که بر یک یا چند نفر برای اهداف زیر اعمال می‌شود: برای آن‌ها مهارت‌ها و خصوصیات ویژه‌ای را فراهم سازد، توانایی آنها برای کنترل خود را شکل دهد، توانایی آنها برای عمل هماهنگ را افزون سازد، آنها

³ Knowledge

را در برابر فرمان و دستور منعطف کند، یا در مسیرهای دیگر خصوصیت آنها را قالب‌ریزی کند. با وجود اینکه انضباط غالباً شامل سرکوب است، فوکو اصرار دارد که نباید آن را اساساً دارای مشخصه‌ای سرکوبگرانه یا منفی دانست. به نظر وی انضباط نمونه‌ای اعلای قدرت مفید و تولیدی است (باری، ۱۹۹۶: ۱۳۰).

در راستای مطالعه‌ی گفتمان «کودک» و ارتباط آن با قدرت، به تحلیل انتقادی مجله‌ی «رشد دانش‌آموز» می‌پردازیم. مرور محتوای مجله «رشد دانش‌آموز» حاکی از این است که این مجله، کودک را از طریق شکل دادن به روابط خاص در حوزه‌های مختلف بازنمایی می‌کند؛ مثلاً در خانه، مدرسه و مسجد چه انتظاری از کودک می‌رود یا کودک باید در ارتباط با دیگران، طبیعت، و اشیاء چگونه رفتار کند و رابطه‌ی خویش با آنها را سامان دهند. به بیانی دیگر، مجله «رشد دانش‌آموز»، کودک را در مسیر تبدیل شدن به عاملی اجتماعی می‌بیند و از این که او همین الان نیز عاملی اجتماعی است، تا اندازه زیادی غفلت می‌ورزد. تحلیل انتقادی محتوای این مجله، نقشی که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش برای کودک قایل است، نحوه رابطه کودک با بزرگترها، جهان پیرامون و فضای اجتماعی، و تصویرسازی که از کودک عرضه می‌کند را به‌طور علمی آشکار می‌سازد.

سایت دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش که وظیفه تولید محتوا و انتشار مجموعه مجلات رشد را عهده دار است، مجله «رشد دانش‌آموز» را جایگزین مجله «پیک دانش‌آموز» دوره پهلوی معرفی می‌کند که بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به انتشار خود ادامه داد. مجله «رشد دانش‌آموز» برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی منتشر می‌شود. سایت این مجله رویکرد و فعالیت‌های خود را اینگونه معرفی می‌کند:

«این مجله سعی دارد مطالب خود را بر سه محور مهم سرگرمی، آموزش و تزکیه، تهیه و تنظیم کند و اصل جذابیت را همواره در رویکردهای خود در نظر داشته باشد. رشد دانش‌آموز به تربیت و تقویت نیروهای انسانی فعال در انواع و قالب‌های ژورنالیسم کودک و نوجوان اهمیت می‌دهد و سعی دارد از محدود کردن و یک جانبه‌گرایی محتوایی در تولید مجله اجتناب ورزد. رشد دانش‌آموز با اعتقاد به اصل: «مرا بخندان و به من یاد بده» تلاش می‌کند در فضایی شاد و پرنشاط، خوانندگان را به مطالعه متون مفید و مشارکت در فعالیت‌های مهارت‌ورزانه تشویق کند».

با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، مجله رشد گفتمانی درباره کودک تولید و بازتولید می‌کند که در شکل‌گیری درک کودک از خود نقش دارد.

با توجه به این که رسانه‌ها یکی از ابزارهای مراقبت و انضباط و حفظ نظم موجود محسوب می‌شوند، تولید و بازتولید گفتمان در «رشد دانش‌آموز» دو نقش مهم ایفا می‌کند:

الف) مجله رشد با ارائه گفتمانی خاص از کودک و تعریف مشخصی از کودکی می‌تواند بر نحوه جامعه‌پذیری کودکان اعمال کنترل کند.

ب) با در نظر گرفتن کودک به مثابه عاملی اجتماعی که مجله رشد را می‌خواند، این مجله تجربه کودک در زمان اکنون را نیز تعیین می‌کند.

از این‌رو با توجه به سابقه انتشار مجله رشد در دو دوره تاریخی حکومت پهلوی و حکومت اسلامی، مطالعه انتقادی گفتمان می‌تواند نشان دهد که در دوره‌های تاریخی و شرایط فرهنگی متفاوت، برساخت اجتماعی کودک چگونه بوده و نقش‌هایی که در هر دوره برای کودک تعریف شده چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند. این وضعیت، امکان تحلیل گفتمان کودک در دو دوره‌ی پهلوی و جمهوری اسلامی را فراهم می‌سازد.

۴-۱. اهداف پژوهش

مسأله‌ی این پایان نامه فقدان دانش لازم در مورد تطور و تحول «گفتمان کودک» در تاریخ تحولات اجتماعی ایران است. ناظر بر این مسأله، سعی داریم با تحلیل انتقادی گفتمان متون مجله‌ی «رشد دانش آموز» اهداف زیر را در این پژوهش تحقق بخشیم:

- شناخت انواع «گفتمان کودک» تولید و بازتولید شده مجله رشد دانش آموز در دوره انتشار آن (۱۳۴۶ تا ۱۳۹۵)

- شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های انواع «گفتمان کودک» در بازه‌ی مورد مطالعه

۵-۱. سوال‌های پژوهش

با عنایت به اهداف تعیین شده در این پایان نامه تلاش می‌کنیم به پرسش‌های زیر در دو گروه اصلی و فرعی پاسخ دهیم:

۱-۵-۱. سوال اصلی

گفتمان کودک در مجله رشد دانش‌آموز با تغییر نظام ایدئولوژی جامعه از پهلوی به اسلامی چه تحولاتی داشته است؟

۲-۵-۱. سوال‌های فرعی

گفتمان(های) کودک در ۶ دهه‌ی اخیر ایران از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده است؟

تفاوت‌های شاخص گفتمانی در دوره‌ی پهلوی دوم و جمهوری اسلامی چیستند؟

در فصل دوم با بازنگری مطالعات انجام شده در حوزه کودک و رسانه، پیشینه پژوهش ارائه شده است و در ادامه‌ی این فصل مفاهیم گفتمان و قدرت در نظام اندیشگانی فوکو تشریح شده است. در فصل سوم روش تحقیق تحلیل انتقادی گفتمان ون لیون تشریح شده است که مفاهیم نظری این روش رابطه‌ی مفهومی عمیقی با گفتمان در ادبیات فوکو دارد. پس از آن، در فصل چهارم یافته‌های به دست آمده از تحلیل گفتمان متون مجله‌ی رشد دانش‌آموز ارائه شده است؛ و در فصل آخر، فصل پنجم، به تحلیل انتقادی یافته‌های پایان نامه پرداخته شده است.

فصل دوم

پیشینه پژوهش

۲-۱. مقدمه

در این فصل پیشینه‌ی پژوهش در ارتباط با موضوع این پایان‌نامه در دو دسته‌ی کلی پژوهش‌های داخلی و خارجی ارائه شده است که به چهار دسته قابل تقسیم هستند:

الف) پژوهش‌هایی با رویکرد ارتباطاتی، ب) پژوهش‌هایی با رویکرد تاریخی، پ) رویکرد ارتباطاتی-تاریخی و ت) رویکردی نهادی. هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها در ادامه شرح داده شده است.

۲-۲. پیشینه‌ی پژوهش در ایران: پژوهش‌هایی با رویکرد ارتباطاتی

حسن‌پور و آقابابایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ی خود با عنوان «از موقعیت کودکان تا نقش مردانه/بازنمایی کودکی و نقش‌های جنسیتی در تبلیغات تلویزیونی»، دو تبلیغ تلویزیون مایع ظرف‌شویی و مایع دست‌شویی آوه را تحلیل محتوا کرده‌اند. در نظام بازنمایی این دو تبلیغ، تصویری از کودکان دختر و پسر دلخواه به لحاظ جنسیتی تصویر شده است که در آن جنس مؤنث نامرئی، منفعل و حاشیه‌ای است و میزان حضور و به چشم آمدن جنس مذکر در پذیرفتن نقش‌های فعال، بیش از جنس مؤنث است. همچنین نتایج این مطالعه نشان‌دهنده موقعیت مسلط، قدرتمند و همه‌چیزدان جنس مذکر است که در شخصیت پسر خانواده در هر دو تبلیغ تجسم دارد. کودک مذکر در متون تحلیل شده هم به مرجع قدرت (مرد) نزدیک است و هم خود به مرور بدل به مرجع قدرت می‌شود، به‌طوری که می‌توان گفت پسرچه‌ها «مردانی کوچک» هستند؛ و موقعیت کودکان دختر ارتباط تنگاتنگ و مشابهی با موقیت زنان بزرگسال دارد به‌صورتی که هر دو در موضع بی‌قدرتی، موقعیت حاشیه‌ای خانه قرار گرفته‌اند.

کوثری و تفرشی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان شبکه کودک «جم‌جونپور» در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه» با استفاده نظریه‌ی لاکلا و موف، نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه را در سه برنامه‌ی شبکه جم‌جونپور مطالعه کردند. نتایج تحلیل سه برنامه‌ی «باربی؛ زندگی در خانه رؤیایی»، «رقصندگان آسمان» و «اسکوبی دو؛ راز گنجینه» در این مطالعه نشان داد «زیبایی و جذابیت» دال مرکزی انیمیشن باربی و دال گفتمانی «اجتماعی بودن» دال مرکزی دو انیمیشن دیگر است. در برآیند کلی این مطالعه، مشخص گردید که دال مرکزی مجموع برنامه‌های مطالعه شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی بودن» است. دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «فردگرایی»، «روابط میان جنسیتی»، «اخلاق مداری»، «زیبایی و جذابیت» منظومه گفتمانی این شبکه را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند.

خردخورد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «تحول نگاه به مفهوم کودکی در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی» به تحول نگاه هوشنگ مرادی کرمانی در دوازده داستان از این نویسنده در دو بازه‌ی زمانی دهه‌ی ۲۰ تا ۵۰ و دهه‌ی ۶۰ تا ۸۰ پرداختند. یافته‌های تحلیل متن دوازده داستان از مرادی کرمانی نشان داده است که در آثار مربوط به دهه‌ی ۲۰ تا ۵۰، کودک تحت تأثیر ایدئولوژی خاص خانواده یا جامعه رشد می‌یابد. اما در داستان‌های دهه‌ی ۶۰ تا ۸۰، کودک موجودی مستقل و برخوردار از آزادی عمل دانسته می‌شود. کودکان می‌توانند آزادانه افکار و ایده‌های خود را بیان کنند.

سبزعلی پور و همکاران (۱۳۹۵) مضامین اشعار دهه‌ی ۸۰ نشریات کودک (دوست، کیهان، سروش، رشد و کوشش) را بررسی کردند. فراوانی مجموعه مضامین در این نشریات عبارت‌اند از: الف) طبیعت (جاندار و بی‌جان)، ب) دین و مضامین آیینی، پ) مسائل اجتماعی سیاسی، ت) تفریحات و سرگرمی، ث) آموزشی علمی، ج) اخلاقی تربیتی و چ) سایر مضامین. فراوانی مضامین در این نشریات نشان می‌دهند که در دهه‌ی هشتاد شاعران به امور دینی و آموزش‌های آن توجه بیشتری نسبت به دوره‌های پیش داشته‌اند رتبه‌ی چهارم این مضامین در دهه‌های پیشین به رتبه‌ی دوم در دهه‌ی ۸۰ ارتقاء پیدا کرده‌است.

سالمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «هویت‌های کودکی در برنامه‌های کودک تلویزیون»، با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف، ایماژها و گفتمان‌های کودکی برنامه‌های ترکیبی مخصوص کودکان که در سال ۱۳۹۲ از شبکه‌ی دو سیما پخش شده‌است (برنامه‌های جمعه به جمعه، خونه به خونه؛ شادونه و پرندگان زبل؛ فیتیله‌ی دو؛ کتابخانه‌ی عموپورنگ) را تحلیل کرده‌است. نتایج پژوهش او حاکی از آن است که مفصل‌بندی دال‌ها در گفتمان‌های کودکی نشان می‌دهد که گفتمان‌های «کودک معصوم»، «کودک گلوله برفی»، «کودک یادگیرنده و جامعه‌پذیر» و «کودک به مثابه کالا» در برنامه‌های بررسی شده حضور پررنگ و پربرسامی دارد. دربرخی از متون بررسی شده هویت کودک ثابت است و به رویکرد هستی‌شناختی در مطالعه‌ی هویت اشاره دارد. باوجود این، اکثر متون نشان دهنده‌ی تنوع و تحولی در تصویر کودکی است که به رویکرد گفتمانی و اهمیت نقش سوژه‌ی کودک تأکید دارد. تنوع گونه‌های تحول گفتمان‌های کودکی در متون بررسی شده حاکی از

آن است که رویکرد غالب در گفتمان‌های کودکی از ایماژ «کودک معصوم» آغاز و به ایماژ «کودک یادگیرنده‌ی جامعه‌پذیر» ختم می‌شود. لذا به نظر می‌رسد جامعه‌شناسی کارکردگرا بر گفتمان برنامه‌سازی برای کودک تسلط دارد و رویکردهای جدید جامعه‌شناسی کودکی در برنامه‌های بررسی شده کمیاب است.

میربخش (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «نقش مجلات کمک آموزشی رشد دانش‌آموز در تحقق اهداف درسی ملی» ۸ جلد از مجلات رشد دانش‌آموز در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ را تحلیل محتوای کمی کرده است. نتایج تحقیق او نشان داد که: الف) تفاوت معناداری در موضوعات، رویکردها و اهداف مجله رشد وجود دارد؛ ب) تفاوت معناداری در تلفیق گروه‌های رویکردی با اهداف وجود دارد؛ پ) بعضی موضوعات، رویکردها و اهداف از سوی گردانندگان مجله رشد دانش‌آموز نادیده گرفته شده‌است؛ ت) مجله رشد در دوره مورد بررسی روند یکسانی را در انتخاب موضوعات، رویکردها و اهداف اصلی طی کرده است؛ و ث) مطالب مجله رشد در انتخاب و تلفیق موضوعات با رویکردها و اهداف از خلاقیت کمی برخوردار بوده است.

حجوانی (۱۳۹۴) در «فراز و فرودهای شعر کودک و شعر نوجوان ایران در سه دهه پس از انقلاب» به مختصات جریان‌های شعر کودک و شعر نوجوان، در سه دهه‌ی تاریخی ایران پرداخته است: دهه‌ی شصت (انقلاب و دفاع مقدس، رشد تألیف، تجربه‌گرایی، غم غربت روستا، غیبت نقد، رواج بیشتر شعر کودک در مقایسه با شعر نوجوان)، دهه‌ی هفتاد (ورود مضمون صلح و میهن، رواج بیشتر ترانه، کاهش تجربه‌گرایی و رواج بیشتر نقد و نظریه، انشعاب در میان شاعران) و دهه‌ی هشتاد (سنت‌گریزی، فردیت، تاثیرپذیری از ترجمه‌ها، تعریف جدید از شعر کودک و مخاطب، رواج طنز، توجه به اشیا در برابر مفاهیم).

نتایج تحلیل‌های تصاویر و شیوه‌ی بازنمایی کودک در مقاله‌ی حسین‌نژاد و قاسمی (۱۳۹۳) با عنوان «مکانیسم بازنمایی تصویر کودک در ساختار روایتی و تصویرسازی کتاب دیگر در خانه پسرک هفت‌صندلی بود»، نشان دادند که کودک بازنمایی شده در تصاویر، خوانش مسلطی را که در بستر فرهنگ جامعه از «کودک» و «دوران کودکی» وجود دارد، در قالب کلیشه‌ها و رمزگان فرهنگی و ایدئولوژی مسلط به متن یا تصویر تحمیل می‌کنند.

جلولی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی شعر کودک به لحاظ میزان توجه به مفاهیم تربیتی و اجتماعی در دهه‌ی ۷۰-۸۰» با روش تحلیل محتوا، به وجود مفاهیم تربیتی و اجتماعی در آثار شاعران دهه‌های ۷۰ و ۸۰ پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داده است مصطفی رحماندوست بیشتر از سایر شعرا به مؤلفه‌های همکاری، همدردی و احترام به بزرگترها پرداخته است و این مؤلفه‌ها نیز در آثار وی دارای سیر صعودی می‌باشند. همچنین نشان داده شده است که همه‌ی شعرا به مؤلفه‌ی صداقت توجه اندکی داشته‌اند.

پدرام (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مسائل و چالش‌های مطبوعات کودک و نوجوان» به تمایزهای نشریات کودک و نوجوان در مقایسه با بزرگسالان از منظر تصویرگری،

موضوعی، زبان و شمارگان نشر پرداخته است. او همچنین به فرصت‌ها و چالش‌های نشریات خصوصی و دولتی اشاره کرده است. تحقیق پیمایشی او نشان می‌دهد ۶۵ درصد از فعالان مطبوعات کودک و نوجوان دوره روزنامه‌نگاری نگذرانده‌اند و تنها ۳۵ درصد از آنان دوره‌های لازم را گذرانده‌اند. او اعلام می‌دارد عدم شناخت از دنیای روزنامه‌نگاری به‌ویژه حوزه کودک و نوجوان یکی از مهم‌ترین مشکلات این عرصه است.

فروتن (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران» به هویت جنسی کودکان می‌پردازد. او با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، کلیه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ را به تفکیک پایه تحصیلی و عنوان کتاب درسی به دنبال کشف هویت جنسی بازنمایی شده در این کتب، مطالعه کرده است. یافته‌های تحقیق او نشان‌دهنده غلبه چشمگیر فراوانی اسامی و تصاویر مردان نسبت به اسامی و تصاویر زنان است. در الگوها و ویژگی‌های کارهای داخل و خارج خانه، ترکیب بعد خانواده برحسب جنس فرزندان، و فعالیت‌های ورزشی نیز سوگیری‌های جنسیتی به خوبی نمایان هستند.

نعیمی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «یک نظریه انقلابی: چگونه در ساختار ارباب-رعیتی ادبیات کودک و نوجوان زلزله ایجاد کنیم؟» در مورد اعمال سلطه در ادبیات کودک و نوجوان می‌گوید: «ساختار ادبیات کودک و نوجوان، ساختاری ارباب و رعیتی است که تاکنون انقلابی در آن صورت نگرفته تا از ارباب خلع ید کند و رعیت را در جایگاه شهروند بنشانند... در این ساختار ارباب و رعیتی، نویسنده همیشه بزرگسال است و خواننده‌ی متن، همیشه کودک یا نوجوان. چیزی که این دو قشر را به هم وصل می‌کند، همان مقوله‌ی نیچه‌وار فرادستی و فرودستی است. و آن چنان قدرتمند که به کاستی از نوع کاست‌های هندوان تبدیل شده است که امکان خروج و ورود یکی به دیگری، امری ناممکن و محال تلقی می‌شود».

شیخ‌دارایی (۱۳۸۱) در طرح پژوهشی که برای شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش انجام داد به بررسی میزان استفاده از مجلات رشد و تأثیر مطالعه آن‌ها بر دانش، انگیزه تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهرستان فریدن پرداخت. نتایج و تجزیه و تحلیل آماری این پژوهش نشان داد مجلات رشد بر روی دانش، انگیزه و خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر داشته و این میزان معنادار بوده است. بین دانش‌آموزانی که مجلات رشد را مطالعه کرده‌اند از نظر سطح دانش، انگیزه تحصیلی و خلاقیت با دانش‌آموزانی که مطالعه نکرده‌اند تفاوت معناداری وجود داشته است.

کاشفی خوانساری (۱۳۷۶) در مقاله‌ای با عنوان «مطبوعات کودک و نوجوان: روزنامه‌نگاری یا ادبیات؟» به شاخصه‌های ادبیات می‌پردازد و در نهایت بیان می‌کند که ادبیات به معنای اصیل آن در حوزه کودک و نوجوان وجود خارجی ندارد و کاربرد مطبوعات کودک و نوجوان را تماماً انضباطی می‌داند، «... در ادبیات کودک و نوجوان هدف، آموزش، برقراری رابطه و کسب نتیجه‌ی مورد نظر، از بدیهی‌ترین پیش‌فرض‌های کار است... ادبیات کودک و نوجوان (شامل مطبوعات کودک و نوجوان) به

دلیل هدفمندی، ارتباطی بودن و تبلیغ ارزش‌های اخلاقی، تربیتی و آموزشی، در ذات بیشتر هم‌سنخ روزنامه‌نگاری و کار ارتباطی توده‌وار است و حتی در شکل کتاب نیز اثر ادبی اصیل نیست».

۲-۳. پیشینه‌ی پژوهش در خارج از ایران

۲-۳-۱. دسته‌ی اول: پژوهش‌هایی با رویکرد ارتباطاتی

گوردون و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «در پس عناوین: بازنمایی کودکان و نوجوانان در رسانه‌های ایرلند شمالی» نتایج حاصل از مصاحبه با کودکان و نوجوانان را در رابطه با بازنمایی آن‌ها در رسانه‌هایشان نشان داده است. در مجموع، کودکان و نوجوانان با بیان اینکه زبان و تصاویر مورد استفاده در رسانه‌ها کلیشه‌های منفی‌ای را در مورد آن‌ها تقویت می‌کند و فرصت پاسخ کودکان و نوجوانان را به این کلیشه‌ها نمی‌دهد، منتقد رسانه‌هایشان به‌خصوص رسانه‌های چاپی در کشورشان هستند.

فرگوسن (۲۰۱۳) در مقاله‌ی خود با عنوان «کودکی سرمایه‌داری در فیلم؛ رویکردهای انتقادی»، به دنبال یافتن معنای سیاسی ضمنی در بازنمایی سینمایی کودک سرمایه‌داری را در پنج فیلم - سه اقتباس از داستان الیور توئیست، زاغه‌نشین میلیونر و فیلم کره‌ای کمتر شناخته شده‌ای به اسم کوه بی‌درخت - نشان می‌دهد کودک بازنمایی شده در فیلم‌ها، کودک خلاق و جهانی است که در تعامل فعال با دنیای اطراف خود سعی دارد زندگی خود را بسازد. ویژگی‌های کودک خلاق و جهانی عبارت است از: تعامل کودک با جهان پیرامون، تجربه کردن موقعیت‌های مختلف، توانمندی کودک در کنش مستقل و عدم وابستگی به بزرگسالان، توانایی کنش خلاقانه و فراتر از قواعد مرسوم در دنیای بزرگسالان، فعالیت و تلاش برای بهبود شرایط خود و محیط، قدرت اتخاذ تصمیم در موقعیت‌هایی تجربه نشده و تغییر و بهبود شرایط محیط با رویکردی سیاسی جدید.

گوردون (۲۰۱۲) در رساله‌ی دکتری خود به بازنمایی تصویر کودکان و نوجوانان در رسانه‌های چاپی و دلالت آن در جامعه‌ی ایرلند شمالی که در حال گذار از مرحله‌ای پرکشمکش بوده‌است، می‌پردازد. او نشان می‌دهد چطور رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه در گفتمان‌های رسانه‌ای و سیاسی به کودکان و نوجوانان اطلاق می‌شود و در نتیجه با تقویت این تصاویر از کودکان و نوجوانان، افکار عمومی از مسائل ساختاری و نهادی جامعه به رفتارهای پرخطر کودکان و نوجوانان معطوف می‌شود.

ورگارا و ورگارا (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی کودک در گفتمان تبلیغات تلویزیونی؛ مطالعه‌ی موردی تبلیغات در شیلی» با استفاده از تحلیل گفتمان، و با نقد رویکرد کارکردی در حوزه‌ی تبلیغات و مطالعات ارتباطات ویژگی‌های اصلی گفتمان تبلیغات کودک در قیاس با موقعیت بزرگسالان را نشان داده‌اند. آن‌ها بر متغیرهای زمینه‌ای و تاریخی در تفسیر تبلیغات تأکید کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داده است که مفهوم کودک مفهومی پیچیده بوده و در مقام بازنمایی کلیشه‌ای است. همچنین یافته‌های حاصل از مصاحبه آن‌ها با دو گروه ۱۱-۱۰ ساله دختر و پسر در مورد تبلیغات مود مطالعه، نشان داد که مصاحبه‌شونده‌ها، کودکان را در آن تبلیغات به عنوان عضوی اضافه

(سربار) برای الدین و خانواده‌شان دیدند. بازنمایی والدین نیز به گونه‌ای بوده است که آن‌ها فاقد اقتدار اخلاقی بوده و در ایفای نقش‌های‌شان در مورد کودکان بی‌صلاحیت‌اند. به‌طور کلی نتایج این مطالعه نشان داده‌است که کودکی بازنمایی شده درگفتمان تبلیغات وضعیتی کاملاً مجزا از بزرگ‌سالی است و تبلیغات تمایل دارند تا کودکان را با مسئولیت فرد در قبال لذت و میل و بدون نیاز به مسئولیت در قبال محیط اجتماعی نشان دهند.

کلارک و همکارانش (۲۰۱۰) در پژوهش خود به مصاحبه با نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ پرداختند. آن‌ها دریافتند اغلب مخاطبان نوجوان، به اخبار پوششی در مورد گروه همسالان خود معترض بودند زیرا خشونت‌طلبی، هرج و مرج طلبی و هنجارگریزی تصاویر غالب در رسانه‌های چاپی بالاخص رسانه‌های داخلی‌شان است.

اندرسن و لاندستورم (۲۰۰۷) در سوئد با مطالعه بر دو روزنامه‌ی ملی، دریافتند تصویر نوجوانان بیش از کودکان در مطبوعات حضور دارد، و از بین نوجوانان، پسران بیشتر بازنمایی شده‌اند، همچنین بازنمایی نوجوانان بیشتر به عنوان افراد هنجارگریز و خشونت‌طلب بوده تا قربانیان قانون‌شکنی و خشونت؛ علاوه بر آن بازنمایی‌های نوجوانان در این دو روزنامه اینطور نشان می‌دهند که خشونت‌ی که نوجوانان را تهدید می‌کند اغلب از سوی گروه همسالان آن‌هاست.

هیس و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «حقوق و روزنامه‌نگاری کودک: با دیدگاه مبتنی بر حقوق» نحوه‌ی به تصویرکشیدن کودکان در رسانه‌ها را مطالعه کردند. به باور آن‌ها نحوه‌ی بازنمایی یا حتی انکار کودکان در رسانه‌ها می‌تواند بر تصمیم‌های گرفته شده از جانب آن‌ها تأثیر بگذارد، همچنین این بازنمایی یا عدم آن بر نگاه اعضای جامعه به کودکان تأثیر خواهد گذاشت. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد که رسانه‌ها اغلب کودکان را منفعل و قربانی بی‌صدا نشان می‌دهند.

نتایج گزارش «فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران» در سال ۲۰۰۴، اسطوره‌های که حول کودکان در رسانه‌ها شکل گرفته است را بدین قرار دسته‌بندی می‌کند: الف) کودکانی فقیر، جنگ‌زده و مصیبت‌زده در خانواده‌های کشورهای درحال توسعه، که فردیت و انسانیت خود را از دست داده‌اند. آن کودکان اغلب به عنوان رنجورانی بی‌دفاع، منفعل در عمل، فکر یا صحبت از وضعیت خود به تصویر کشیده می‌شوند؛ ب) پوشش موضوعات مربوط به کودکان بیشتر بر جنبه‌های احساسی تمرکز دارد در حالیکه که مسائل گسترده‌ای که سد راه تحقق حقوق کودکان که در کنواسیون حقوق کودک نیز به آن‌ها اشاره شده است، را انکار می‌کنند؛ پ) اصل رازداری در ارتباط با مسائل کودکان همیشه مورد احترام قرار نمی‌گیرد؛ ت) کودکان در اخبار بیشتر با دو کلیشه‌ی «کودکان بسیار گرسنه‌ی آفریقایی» و «نوجوان بی‌مسئولیت» به تصویر کشیده می‌شوند؛ و به‌طور کلی داستان‌هایی که در اخبار مربوط به کودکان پوشش داده می‌شود بیشتر در مورد جرم و بچه‌های خیابانی است، درحالیکه دیگر مسائل مربوط به حقوق کودکان همچون حق بازی، حق بازآفرینی و ورزش ارزش خبری چندانی ندارند. درنهایت نتیجه این گونه تصویرسازی‌ها از کودک یک تصور نامتعادل از کودکان به عنوان «کودکان به مثابه قربانیان» یا «کودکان به مثابه دردسر آفرینان» خواهد بود. نتایج بررسی خبرگزاری کودکان

در انگلستان از روزنامه‌ها و جراید در طول یک هفته در سال ۱۹۹۸ نشان داد که هفت کلیشه به ترتیب راجع به کودکان رایج بوده است: الف) کودک به مثابه قربانی (۳۱/۵٪؛ ب) کودک باهوش و زرنگ (۲۶/۷٪؛ پ) کودک شیطان صفت و تخس (۱۰/۸٪؛ ت) کودک نابغه (۹/۷٪؛ ث) کودک بع مثابه مایملک خانواده (۸/۴٪؛ ج) بچه‌های این زمانه یعنی نوستالژی بزرگسالان (۷/۵٪؛ در آخر چ) کودکان به مثابه فرشتگان کوچک (۵/۴٪).

۲-۳-۲. دسته‌ی دوم: پژوهش‌هایی با رویکرد رویکرد تاریخی

مطالعه‌ی مفهوم «کودک» و «کودکی» در رسانه‌های گوناگونی چون کتاب، روزنامه و تلویزیون در مطالعات و پژوهش‌های خارجی تاریخ طولانی‌ای دارد. یکی از شاخص‌ترین آثار در این حوزه، کتاب «قرون کودکی» فیلیپ آریه (۱۹۶۵) است که تحول مفهوم کودک و کودکی را از دوران قرون وسطا تا قرن بیستم نشان داد. آریه با اتخاذ رویکردی تاریخی، نشان داد که کودکی مفهومی برساخته‌ی طبقات متوسط و نیز برآمده از تغییر در جایگاه اقتصادی آن‌ها به جایگاهی عاطفی است و تا قرن پانزدهم کودکی را مرحله‌ی خاصی از دوران زندگی نبود، بلکه کودک تنها، مینیاتور از بزرگسال بود.

۲-۳-۳. دسته‌ی سوم: پژوهش‌هایی با رویکرد ارتباطاتی-تاریخی

سورین (۲۰۰۵) در مقاله‌ی خود با عنوان «تطور تصاویر کودکی: مفهوم بندی مجدد رفتار با کودک»، ده تصویر ارائه شده از کودک و خاستگاه تاریخی این تصاویر را نیز نشان داده است. تصاویری که او از کودک در مقاله‌ی خود عنوان می‌کند عبارتند از: کودک معصوم، کودک قهرمان، کودک شرور، کودک گلوله برفی (زیاده خواه)، کودک مهارنشده، کودک مینیاتوری، کودک به مثابه کارآموز بزرگسالی، کودک همچون کالا، کودک قربانی، کودک فعال (عامل). سالمی (۱۳۹۴) ویژگی هر یک از گفتمان‌های کودک نامبرده شده را به شکل زیر خلاصه کرده است:

کودک معصوم: پاکی ذاتی کودک، آسیب‌پذیری، ناتوانی و انفعال، نیازمند مراقبت و حمایت بزرگسالان، تأثیرپذیری منفی از بزرگسالان؛

کودک قهرمان: فداکاری، کودک با خصایل نیکو، نجات دیگران و خود از دست نیروهای شیطانی و سرنوشت بد، به عهده گرفتن بخشی از مسئولیت بزرگسالان، کودک با توانمندی‌های فوق‌العاده؛

کودک شیطان صفت: ذاتی بودن ماهیت شیطانی، تأثیر نامطلوب کودک شرور بر سایر کودکان، از بین بردن یا به حاشیه راندن کودک، تلاش برای مطیع کردن کودک با تنبیه، ترس از تبدیل شدن کودکان به بزرگسالان بی‌مسئولیت و مسئله‌ساز؛

کودک گلوله برفی: کودک لوس و کم‌تحمل، کودکی با انتظارات فراوان و همراه ناراضی، دادن جایزه و رشوه از طرف والدین و معلمان، برآوردن خواسته‌های کودک برا ساکت کردنش، کودک خودمحور، خرید کالا برای جبران کاستی‌های تربیتی؛

کودک خارج از کنترل: رفتارهای خشن و خود نابودگر، احبار بزرگسالان به تسلیم در برابر کودک، مستأصل و ناامید شدن بزرگسالان از اصلاح کودک، باور به تهدید بودن و برچسب زدن به کودک، کنار